

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمدجواد نصر آزادانی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ / دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

چاپ: گلها - قم / قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)



مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری
جهان اسلام (ISC)



The Use of Tight and Clinging Clothes as a Covering from the Perspective of Imami Jurisprudence

*Matin Habibi*¹

*Mohammad Faezi*²

Abstract

The rulings on covering are one of the most widely used and important rulings in jurisprudence. The issue examined in this article is whether covering the body with tight and clinging clothing is sufficient to achieve the obligatory religious veil or whether the bulk of the body must also be covered? In Islamic law, the religious hijab and the desired clothing of the owner of the sharia are the result of the sum of several religious laws and rulings, and a ruling can be made that tight and clinging clothing is sufficient as religious clothing if all of these religious requirements are met. This article examines and explains the first two requirements of clothing, namely covering the body for men and women, and covering the adornment of women, as well as four secondary topics, namely aiding in sin, promoting the forbidden, clothing of fame, and likening oneself to the infidels. Although tight and clinging clothing covers the body, and therefore it is not necessary to cover the body's bulk, there is no covering the adornment by these clothes. It is also necessary for women and men to refrain from wearing tight clothing in cases where wearing it is considered to spread or encourage something forbidden, or to humiliate a person, or to be considered a dress of fame, or to be considered to be likened to infidels. Yes, if tight and clingy clothes are free from the above-mentioned corruptions; such as wearing socks or sleeves, there is no problem in choosing these clothes for covering.

Keywords: Covering, Hijab, Fashion, Body bulk, Adornment, Clothing of fame.

1. Student of seminary, Imams (PBUH) Jurisprudence Center; javadhabibi1378h@gmail.com

2. Professor, Imams of the Pure Household Educational & Research Complex; m.faezi@chmail.ir

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

استفاده از لباس‌های تنگ و چسبان به عنوان پوشش از منظر فقه امامیه

متین حبیبی^۱

محمد فائزی^۲

چکیده

احکام پوشش یکی از احکام پرکاربرد و مهم در فقه است. مسئله مورد بررسی این نوشته این است که آیا پوشاندن بدن با لباس‌های تنگ و چسبان برای تحصیل ستر و پوشش واجب شرعی کفایت می‌کند یا اینکه باید حجم بدن نیز پوشانده شود؟ در شریعت اسلام، حجاب شرعی و پوشش مطلوب شارع، حاصل جمع چند قانون و حکم شرعی است و در صورتی می‌توان حکم به کفایت لباس تنگ و چسبان به عنوان پوشش شرعی نمود که تمام این الزامات شرعی رعایت شده باشد. در این نوشته دو الزام اولی پوشش یعنی ساتر بودن بدن برای مردان و زنان، و ستر زینت در زنان، و همچنین چهار عنوان ثانوی یعنی اعانه بر اثم، ترویج حرام، لباس شهرت و تشبیه به کفار بررسی و تبیین شده است که گرچه لباس‌های تنگ و چسبان ساتر بدن هستند و از این جهت پوشاندن حجم بدن لازم نیست؛ ولی ملاک ستر زینت در این لباس‌ها وجود ندارد. همچنین بر زنان و مردان لازم است در مواردی که پوشیدن لباس تنگ، موجب اشاعه حرام و ترغیب به آن محسوب شود و یا اینکه موجب اذلال و خواری شخص باشد و یا لباس شهرت محسوب شود و یا اینکه تشبیه به کفار به حساب آید، از پوشیدن آن خودداری نماید. بله، اگر لباس‌های تنگ و چسبان، خالی از مفاسد فوق باشند؛ مانند پوشیدن جوراب و یا آستینچه، انتخاب این لباس‌ها برای پوشش اشکالی ندارند.

واژگان کلیدی: پوشش، حجاب، مُد، حجم بدن، زینت، لباس شهرت.

۱. طلبه مجتمع آموزشی - پژوهشی ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ javadhabibi1378h@gmail.com

۲. استاد مجتمع آموزشی - پژوهشی ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ m.faaezi@chmail.ir

مقدمه

بی‌شک یکی از مهم‌ترین احکام اجتماعی و فردی، بحث پوشش و لباس مکلفین است؛ از این‌رو سزاوار است که کیفیت پوشش مورد بررسی قرار بگیرد. یکی از مسائل مطرح در این زمینه، حکم فقهی پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان است.

پس از بررسی اجمالی احکام اسلام دانسته می‌شود، این دین جاودانه برای پوشش اشخاص، احکامی وضع نموده است و از نظر شارع پوشاندن مقداری از بدن برای حضور شخص در انظار لازم است. در شریعت اسلام، مردان باید عورت خود را از ناظر محترم (غیر از همسر) بپوشانند. همچنین بر زنان لازم است غیر از وجه و کفین تمام بدن خود را از نامحرم بپوشانند. (یزدی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۶) سؤال اصلی این است که آیا پوشاندن بدن با لباس‌های تنگ و چسبان برای تحصیل ستر و پوشش واجب شرعی کفایت می‌کند و یا اینکه باید حجم بدن نیز پوشانده شود؟ به عبارت دیگر بعد از اینکه مفروض دانستیم که لازم است مقداری از بدن پوشانده شود آیا تنها باید پوست و رنگ بدن پیدا نباشد و یا آنکه باید حجم و برآمدگی بدن نیز پوشیده شود؟

ناگفته نماند که حجاب شرعی و پوشش مطلوب شارع حاصل جمع چند قانون و حکم شرعی است و در صورتی می‌توان حکم به کفایت لباس تنگ و چسبان به عنوان پوشش شرعی نمود که تمام این الزامات شرعی رعایت شده باشد.

لازم به ذکر است که پوشش لازم برای انجام بعضی از عبادات و مناسک، حکم خاص خود را دارد؛ مثلاً در باب نماز پوشاندن عورت بر مردان لازم است گرچه ناظری وجود نداشته باشد همچنین بر زنان واجب است غیر از وجه و کفین و قدمین، تمام بدن را بپوشانند گرچه ناظر محترمی وجود نداشته باشد (یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۱۹) که این بحث خارج از موضوع این مقاله است.

این بحث از مباحث پرثمر و مورد ابتلای مکلفین است، خصوصاً با پیشرفت صنعت مد، ابتلای به این مسئله بیشتر شده است؛ زیرا هر روز با اقسام و اشکال جدیدی از لباس‌ها روبه‌رو هستیم که بسیاری از آنها از دسته لباس‌های تنگ و چسبان حساب می‌شوند، به همین جهت از فقه انتظار می‌رود که پاسخگوی چنین مسائلی باشد.

آن چه به عنوان پیشینه این بحث باید خاطر نشان کرد این است که اگر چه در کتب فقهی، مباحثی مطرح شده که به این موضوع مرتبط است؛ مانند احکام تخلی و لباس مصلی (یزدی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۵۶ و ج ۶، ص ۲۱۲) اما تا به الآن پژوهشی مستقل، نه به صورت کتاب یا پایان نامه و نه حتی مقاله در این باب صورت نگرفته است. بلی در بعضی از مقالات به بحث مدلینگ پرداخته شده است یا سعی شده است حجاب شرعی از دید فقهی بررسی شود مثل؛

۱. نمازی‌فر، حسین، سعادت، صالح، (اسفند ۱۳۸۹) بررسی فقهی و حقوقی حجاب شرعی با رویکردی بر آرای امام خمینی، پژوهش‌نامه متین، ۱۲، ش ۴۹، ص ۱۲۴ - ۱۰۰.

این مقاله درصدد است که با بررسی ماهیت و دلایل حجاب اسلامی از آیات و روایات، و الهام‌گیری از مبانی فکری حضرت امام خمینی (ره) از قوانین موضوعه در این حیطه، رفع ابهام کرده و در کنار آن با تبیین عناصر تشکیل‌دهنده این جرم، آن را جرمی مسلم قلمداد کند. در آخر نیز پیشنهادهایی جهت اصلاح وضعیت فعلی حجاب در کشور داده شده است؛ اما آنچه که این نوشتار به دنبال آن است بعد از آنکه مفروض گرفته که حجاب اسلامی واجب است این مطلب است که آیا صرف پوشاندن پوست برای مطلق مکلفین اعم از زن و مرد کفایت می‌کند یا علاوه بر آن باید حجم بدن را نیز پوشاند؟ و در واقع سؤال اصلی این نوشتار بررسی حکم فقهی است نه بررسی قوانین و رفع ابهام‌ها و اجمال‌های آن.

۲. تنگستانی، محمد قاسم، ورمزیار، فائزه، (زمستان ۱۴۰۲)، مدلینگ زنان در نظام حقوقی ایران، پژوهش‌های حقوقی، ۲۲، ش ۵۶، ص ۲۹۵ - ۳۳۴.

در این مقاله به نظام حقوقی ایران و ضوابط و مقررات آن برای مدلینگ زنان پرداخته و به این نتیجه رسیده که برای حیطه مدلینگ زنان، مقررات و قوانین خاصی پیش‌بینی نشده؛ اما آنچه که این نوشتار به دنبال آن است حکم فقهی پوشش تنگ چسبان برای مطلق مکلفین اعم از زن و مرد است.

این مسئله در دو ساحت حکم اولی و حکم ثانوی باید بررسی شود. در مرحله اول با بررسی دستورات شرعی در مقام لزوم حجاب و پوشش، باید دید آیا مقتضای حکم اولی، شامل لزوم پوشاندن حجم بدن نیز می‌شود؟ و در مرحله دوم باید

احتمال تطبیق عناوین ثانویه را بررسی نمود. یعنی ممکن است پوشیدن لباس تنگ از ناحیه لزوم ساتر دارای ایرادی نباشد؛ ولی مصداق یک عنوان دیگر از عناوین حرام واقع شود. از همین روی در این نوشته، ابتدا به مفهوم‌شناسی پرداخته شده و سپس اقوال در مسئله بیان شده است. در مرحله بعد و برای بیان نظر تحقیقی، ابتدا اصل اولی در مقام بیان شده و بعد از آن در دو ساحت حکم اولی و حکم ثانوی مسئله، به بررسی فقهی پرداخته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی لباس تنگ و چسبان

تنگی و گشادی لباس یکی از حالات و کیفیات لباس حساب می‌شود که می‌تواند وصف کل لباس و یا قسمتی از لباس مثل آستین لباس باشد. (اکبرزاده نیاکی، ۱۴۰۱، ص ۹۳) مراد از لباس تنگ و چسبان، در این نوشتار لباسی است که تنها ساتر پوست بدن و رنگ است و در آن حجم بدن نمایان و قابل مشاهده است.

البته روشن است که محل بحث جایی است که این نوع لباس به عنوان پوشش و در مرئی و منظر دیگری قرار بگیرد و الا صرف پوشیدن این لباس در صورتی که ناظر محترمی وجود نداشته باشد و یا بر روی این لباس تنگ و چسبان لباس دیگری پوشیده شود که حجم بدن نمایان نشود از محل نزاع خارج است. از همین روی لباس‌هایی که روی آنها پوشش دیگر مانند مانتو و چادر، قرار دارد و از منظر دیگران مخفی است، از محل بحث خارج است.

۲. آراء و نظرات درباره کفایت ستر پوست بدن در موارد لزوم ستر

بحث لزوم ستر حجم بدن از مباحث سابقه‌دار در فقه است. با بررسی نظرات فقیهان به دست می‌آید که در حکم این مسئله میان فقیهان سابق اختلاف نظر بوده است به خلاف فقیهان معاصر (بعد از صاحب عروه) که تقریباً همگی ایشان یک نظر را اختیار نموده‌اند. (یزدی، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۵۶)

۱. فقهای سابق این بحث را عمدتاً در بحث لباس نمازگزار مطرح نموده‌اند. بیشتر ایشان قائل به عدم وجوب ستر حجم شده‌اند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۴۶؛ حلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۸۲؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸؛ عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳،

ص ۲۰۲؛ سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۲۲۸ و ۲۳۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۳۲؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۲۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۲۴) و در مقابل نیز عده‌ای قائل به لزوم ستر حجم شده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۸؛ کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۰۱؛ عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۵۷۸؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۱۳۴؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۷)

اما بیشتر فقهاء معاصر از زمان صاحب عروه تا اکنون قائل به عدم لزوم ستر حجم شده‌اند. در کتاب عروه الوثقی در دو مورد بحث از حجم بدن مطرح شده است اولین مورد در بحث ستر عورت به مناسبت احکام تخلی است که سید یزدی پوشاندن حجم را لازم ندانسته و تنها قائل به احتیاط مستحبی است و در عروه‌ای که با بیش از چهل حاشیه به طبع رسیده در نزد عمده محشین، کلام صاحب عروه پذیرفته شده است. (یزدی، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۵۶) بلی تنها مرحوم حائری احتیاط کرده و مرحوم مرعشی عدم ترک احتیاط را سزاوار دانسته و از نظر مرحوم مفتی الشیعه فرض زمینه‌ساز شهوت مستثنی است (همان).

همچنین در بحث صلات نیز این مبحث تکرار شده و تنها مرحوم مرعشی پوشش حجم را اولی دانسته و مرحوم مفتی الشیعه مسئله را محل تأمل می‌داند. (یزدی، ۱۳۹۵ش، ج ۶، ص ۲۱۲)

از همین روی باید گفت: از نظر مراجع ستر لازم با این نوع پوشش تحقق می‌یابد و مکلف از باب عدم پوشش حجم مرتکب حرامی نشده است. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۵۷؛ محقق داماد، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۵)

همچنین با توجه به محل ابتلا بودن این مسئله، در استفتائات متعددی از مراجع، مورد سؤال قرار گرفته است و در بعضی از رساله‌های جدید منعکس شده است که در اینجا بیان می‌شود.^۱

آیت‌الله سیستانی این‌گونه به سؤال از حجاب کافی برای زنان پاسخ داده‌اند: حجاب کافی آن است که موها و بدن را پوشانده و خود زینت شمرده نشود و برجستگی‌های زن را نمایان نسازد و صورت و دست‌ها تا مچ لازم نیست پوشانده

۱. لازم به ذکر است که به علت قابل اعتماد نبودن سایت‌های بیان احکام در بیان استفتائات تنها به سایت خود مراجع اکتفا شده است.

شود و همچنین ابروی برداشته شده لازم نیست پوشانده شود؛ ولی باید که با آرایش زینت نشده باشد. (Sistani.org/Persian/qa/09281/)

همچنین ایشان در توضیح المسائل جامع چنین آورده‌اند: حجاب و پوشش بانوان در برابر مرد نامحرم، علاوه بر آنکه باید مقدار واجب را بپوشاند، لازم است دارای ویژگی‌های ذیل باشد: الف. «نازک و بدن‌نما» نباشد... ب. «تنگ و چسبان» نباشد، طوری که معمولاً موجب جلب توجه دیگران و نگاه از روی لذت می‌شود؛ بنابراین، پوشیدن لباس‌هایی که حجم و برجستگی مفاصل بدن زن را مشخص می‌کند، جایز نیست. (سیستانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۴۴)

آیت‌الله شبیری در جواب از سؤالی در مورد لباس‌های تنگ می‌نویسد: اگر محرک شهوت باشد و یا موجب هتک شخص شود حرام است. (شبیری، ۱۳۹۶ش، ج ۱، ص ۳۱۲)

همچنین آیت‌الله مکارم چنین می‌نویسد: در مورد حجاب واجب، کافی است که زن بدن خود را، جز صورت و دست‌ها تا مچ، به هر وسیله‌ای که می‌تواند بپوشاند، و لباس خاصی شرط نیست؛ ولی پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و همچنین لباس‌های زینتی اشکال دارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۰۲؛ همان، ص ۱۸۳)

ممکن است در بدو امر تنافی بین حکم به عدم لزوم پوشش حجم بدن که از کتاب عروه نقل شد با آنچه در استفتائات آمده است به نظر برسد؛ ولی توجه به دو نکته رافع این توهّم است: اولاً از نظر دور نماند حجاب و پوشش کامل شامل چند حکم شرعی است که ستر بدن یکی از آنهاست که بر عهده مکلفین نهاده شده است و از همین روی می‌بینیم که همان مراجعی که در عروه حکم به عدم لزوم ستر حجم کرده‌اند، در پاسخ به استفتائات حکم به عدم جواز پوشیدن لباس تنگ نموده‌اند. به تعبیر دیگر حکمی که در عروه آمده است حیثی است و از جهت لزوم ستر بدن به مسئله نگاه می‌کند؛ ولی حکمی که در استفتائات ذکر شده است، جهات دیگر را نیز لحاظ نموده است. ثانیاً آنچه در عروه آمده است تنها نسبت به حکم اولی و بدون در نظر گرفتن عناوین ثانویه است؛ ولی در استفتائات، عناوین ثانویه ملاحظه شده است؛ از همین روی در فرض تطبیق این عناوین، حکم به حرمت شده است.

۳. اصل اولی در صورت شک یا فقدان یا اجمال نص

سزاوار است در ابتدا اصل اولی که می‌توان در صورت شک و اجمال دلیل یا فقدان آن در مقام به آن تمسک کرد بیان شود. طبق قواعد فقهی و اصولی، اصل اولی در مسئله، برائت از وجوب پوشش حجم یا استصحاب عدم جعل وجوب ستر حجم است. البته باید توجه داشت که در مواردی که ستر و پوشش به عنوان شرط واجبی قرار داده شده است، مورد از موارد اقل و اکثر ارتباطی است و جریان برائت در چنین مواردی محل بحث و نظر است و بعضی از فقیهان منکر جریان برائت شده‌اند، گرچه به نظر می‌رسد در این موارد نیز برائت جاری باشد. (آخوند خراسانی، ۱۴۳۱، ص ۳۶۶)

۴. حکم اولی لزوم ستر حجم

آنچه که در این قسمت باید بررسی شود این است که آیا دلیلی بر وجوب ستر حجم بدن وجود دارد یا خیر؟ البته همان‌طور که بیان شد حجاب مجموعه‌ای از تکالیف است که تنها در فرض رعایت همه آنها حجاب شرعی محقق می‌شود و پوشش شرعی آن لباسی است که تمام این موارد را تأمین نماید و لباس تنگ اگر بعضی از مطلوب شارع را تأمین می‌نماید نمی‌تواند به عنوان لباس مناسب و شرعی شناخته شود.

اکنون ادله و موازین حجاب و لباس شرعی در ذیل بررسی می‌شود:

۱-۴. لزوم ستر بدن: در شریعت اسلام بر مردان لازم است که عورت خود را از ناظر محترم (غیر از همسر) بپوشانند و بر زنان لازم است غیر از وجه و کفین تمام بدن خود را از نامحرم بپوشانند. (یزدی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۶) گرچه حدود و ثغور این حکم محل بحث است؛ ولی اصل لزوم پوشش از مسائل قطعی بلکه ضروری فقه است (خویی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱۶)

برای این حکم به ادله متعددی استدلال شده است از جمله آیه ۳۰ سوره مبارکه نور و روایات متعددی که در این مورد وارد شده است (به عنوان مثال ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۹۹) و با توجه به مسلم بودن این مسئله از ذکر ادله آن خودداری می‌شود. ولی آنچه در اینجا محل بحث است کفایت ستر پوست و رنگ آن و عدم

لزوم ستر حجم بدن می‌باشد.

در قسمت بیان اقوال گذشت که اکثر فقیهان قائل‌اند که ستر حجم بدن لازم نیست و ستر بشره کفایت می‌کند. وجه این کلام این است که ظاهر ادله‌ای که بر لزوم حفظ عورت و نهی از نگاه به عورت دلالت دارد، این است که حرام، نگاه به خود جسد است، و مثلاً ظهور جمله «زید نظر إلی کذا» این است که به خود آن شیء می‌نگریست. (خوبی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲۱) و هنگامی که لون مستور باشد ستر واجب صدق می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۲۳)

در مقابل گفته می‌شود اگر حجم بدن نمایان باشد نمی‌توان به نحو مطلق گفت که شخص ستر بدن نموده است (همدانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۵) توضیح آنکه، اگر شخصی تنها بشره و لون را بپوشاند به او نمی‌توان گفت بدنش را پوشاند؛ بلکه تنها گفته می‌شود او لون بدن را پوشانده است.

به نظر می‌رسد حق با گروه اول است و در فرضی که حائلی روی پوست وجود داشته باشد این حائل مانع صدق نظر به بدن می‌شود. برای وضوح امر می‌توان مثال‌هایی را در نظر گرفت که صدق پوشش در آنها مسلم است؛ مثلاً افرادی که جوراب می‌پوشند و یا اینکه دست‌وپای خود را باندپیچی می‌کنند با آنکه حجم بدنشان معلوم است؛ ولی نگاه به بدن صدق نمی‌کند، و یا اگر شخصی پایش گل‌آلود باشد به صورتی که هیچ جای پوست آن معلوم نباشد باز نگاه به بدن صدق نمی‌کند. همچنین به نظر می‌رسد کسانی که این نوع از پوشش را کافی ندانسته‌اند خلط بین انواع تکالیف در باب حجاب نموده باشند. توضیح آنکه، ارتکاز شرعی بر این است که کسی که عورت خود یا تمام بدن خود را گل‌آلود کند و در انظار عمومی حاضر شود، فعل مستهجنی را انجام داده است و حجاب شرعی را رعایت نکرده است و این ارتکاز باعث شده است که بعضی از فقیهان، مجرد ستر حجم را کافی ندانند، ولی توجه به این نکته راهگشا است که در باب حجاب تکالیف متعددی بر عهده شخص است و عدم کفایت حجاب شرعی می‌تواند ناشی از یکی از این تکالیف باشد و در مثال مورد بحث، ارتکاز حکم می‌کند که این شخص حجاب شرعی را رعایت نکرده است؛ ولی آیا ستر بدن رعایت نشده است و یا اینکه ستر

زینت حاصل نشده است و یا اینکه تشییع فاحشه رخ داده است و یا اینکه مطلوب شرعی دیگری رعایت نشده است؟ ارتکاز دلالتی در این زمینه ندارد.

لازم به ذکر است در رابطه با لزوم ستر حجم بدن، چند روایت در مورد تستر به نوره ذکر شده است که در قسمت ادله نافی لزوم ستر حجم بدن به آن پرداخته می‌شود.

۲-۴. حرمت ابداء زینت بر زنان: یکی از واجبات شرعی بر زنان، حفظ زینت‌های خود از نامحرمان است. مهم‌ترین دلیل بر این حکم آیه ۳۱ سوره نور می‌باشد:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾؛ و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند. (نور: ۳۱)

در روایات نیز حدود و ثغور زینت و موارد جواز اظهار آن مورد پرسش واقع شده است (رجوع شود به: وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۰) که خود نشان‌دهنده مسلم بودن اصل حکم است.

اما وجه استدلال به این آیه شریفه نسبت به بحث لباس‌های تنگ و چسبان چنین است:

الف: عرفاً بعضی از حجم‌های بدن زن زینت حساب می‌شود بلی حجم اعضایی مانند ساعد و یا مچ پا، زینت نیستند؛ لذا پوشیدن ساق دست و جوراب برای پوشش کفایت می‌کند.

ب: صیغه نهی ظهور در حرمت دارد و بر زنان حرام است که زینت خود را برای غیر از موارد استثنا آشکار کنند.

پس زنان باید حجم بدن خود را در مواردی که عرفاً زینت حساب شود، بپوشانند و حرام است که برای غیر از موارد استثنا نمایش داده شود.

بنابراین، پوشیدن لباس تنگ و چسبان که باعث نمایش حجم‌هایی که عرفاً زینت حساب بشود حرام است. البته این دلیل تنها نسبت به زنان است و حکم مردان را ثابت نمی‌کند.

به نظر این دلیل تمام است و اگر برآمدگی‌های زن، عرفاً زینت حساب شود باید آن را بپوشاند هم چنین لباس تنگ اگر خود زینت به حساب آید نباید آن را در معرض نامحرم پوشید.

۵. ادله عدم وجوب ستر حجم

در مقابل ادله بیان شده بر لزوم پوشش حجم، می‌توان روایاتی که نوره را ساتر می‌دانند را به عنوان دلیل بر عدم وجوب پوشش ذکر نمود. توضیح آنکه در چند روایت وارد شده است که نوره به عنوان ساتر و پوشش کفایت می‌کند، در اینجا سه روایت ذکر می‌شود:

اولین روایت، مرسله‌ای از کتاب من لایحضره الفقیه است که نقل شده است امام صادق (در حمام نوره می‌کشید و هنگامی که به محل عورتین می‌رسید به آن کس که بر بدن آن حضرت نوره می‌کشید می‌فرمود: دور شو، و بعد آن موضع را خودشان شخصاً نوره می‌کشیدند و هرکسی نوره می‌کشد اشکالی ندارد که ساتر خود را باز کند؛ زیرا نوره خود یک نوع ساتر است. (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۷)

دومین روایت، روایت عبیدالله مرافقی است، از عبیدالله مرافقی روایت شده که گفت: در مدینه وارد حمامی شدم پیرمردی را دیدم که سرپرست حمام بود به او گفتم: ای پیرمرد این حمام از آن کیست؟ گفت: از ابی‌جعفر محمد گفتم. آیا ایشان خود نیز به حمام می‌آید؟ پاسخ داد: آری، گفتم: هنگامی که به حمام می‌آیند چه کار می‌کند؟ گفت: آن حضرت داخل حمام می‌شود و شروع می‌کند ابتدا شرمگاه و آنچه اطراف آن است نوره می‌کشد بعد عورتش را لنگ می‌پوشاند و مرا صدا می‌زند و من بقیه بدنش را برایش نوره می‌کشم. روزی از روزها به آن حضرت عرض کردم آنچه که شما مایل نبودید من آن را ببینم دیدم، آن حضرت فرمود: حاشا، هرگز ممکن نیست دیده باشی، زیرا که نوره، خود پوشش است. (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۷)

سومین روایت، مرسله کافی است، راوی گوید: امام باقر علیه السلام می‌فرمود: هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد بدون لنگ به حمام وارد نشود روزی آن حضرت داخل حمام شد و نوره کشید، هنگامی که نوره بدن ایشان را پوشاند لنگ را کنار انداخت یکی از غلامان آن حضرت عرض کرد: پدر و مادرم به فدای شما! شما ما را

به لنگ و لازم بودن آن سفارش می‌کنید در حالی که خودتان آن را از خود برداشته‌اید .
 فرمود: مگر نمی‌دانی که نوره، عورت را پوشانده است؟! (کلینی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۰۳)
 روایت اول و دوم هر دو از کتاب من لایحضر و مرسله است و دربارهٔ مراسلات
 صدوق سه قول هست:

۱. حجیت مطلق مراسلات صدوق (فقیهانی مانند شیخ بهایی)

۲. عدم حجیت مطلقاً (فقیهانی مانند محقق خویی)

۳. تفصیل بین روایاتی که به صورت جزمی به معصوم علیه السلام نسبت داده شده و
 سایر مراسلات، این قول منسوب به فقیهانی مانند محقق داماد و مرحوم امام می‌باشد
 (سیستانی، ۱۴۳۷، جلد ۲، صص ۳۳ - ۳۴).

نظر نگارندگان بر این است که قول دوم صحیح است؛ لذا این روایت از لحاظ
 سندی فاقد اعتبار است.

همچنین اشکال دیگری که به سند روایت امام صادق علیه السلام وارد است این است که
 جمله اخیر که محل استدلال نیز است احتمال دارد از خود شیخ صدوق باشد لذا
 نمی‌توان آن را به امام علیه السلام نسبت داد.

اما روایت کافی، این روایت مرسل و ضعیف است. بلی طبق مبنای برخی که
 تمامی روایات کافی را حجت می‌دانند؛ مانند مرحوم نائینی این روایت مستغنی از
 بررسی سندی است. (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱) البته به نظر نگارندگان این نظریه تمام
 نبوده و روایت از لحاظ سندی قابل استدلال نیست.

بلی دلالت این دسته از روایات واضح و روشن است؛ زیرا در این روایات ساتر
 بودن نوره به مانند لنگ پذیرفته شده است با این تفاوت که نوره تنها ستر پوست و
 بشره می‌کند و حجم مطمئناً مشخص است مخصوصاً در روایت عبیدالله مرافقی که
 سرپرست حمام به امام باقر علیه السلام عرض می‌کند شرمگاه شما را دیدم.

البته مورد این روایات شرمگاه است؛ اما وقتی ساتر بودن شیئی مثل نوره در این
 موضع خاص پذیرفته شده به طریق اولی یا فهم عرفی پارچه‌هایی که در جهت ستر
 بهتر از نوره هستند؛ اما حجم را نمی‌پوشانند همچنین در سایر مواضع به غیر از
 عورت، مورد پذیرش شارع هستند.

لازم به ذکر است که در این روایات خصوصیتی برای هم جنس یعنی مرد نسبت به مرد و همین طور زن نسبت به زن نیست و الا صرفاً با این روایات عدم وجوب ستر حجم بدن نسبت به هم جنس کشف می شود.

نکته نهایی و لازم به ذکر این است که ادله ساتر بودن نوره تنها ناظر به جهت لزوم ستر بدن است و نافی سایر جهات نیست. توضیح آنکه این ادله تنها بیان می دارد که در فرض وجود نوره بر روی پوست، نوره موجب می شود که نظر به بدن واقع نشود و ستر بدن صدق نماید، اما این ادله نافی لزوم ستر زینت بر زنان نیست و یا اینکه نافی حرمت تشییع فاحشه و... نیست؛ از همین روی باید دانست که در فرض تمام بودن روایات ساتر بودن نوره، این روایات تنها می تواند معارض یا مفسر دسته اول از ادله (ستر بدن) واقع شود و با توجه به تفاوت حیثیت بحث با سایر جهات، تعارضی با آنها ندارد.

بنابراین اگر لباس تنگ و چسبان، تنها حجم بدن را نشان دهد ولی پوست را به طور کامل بپوشاند، از نظر حکم اولی ستر بدن مشکلی ندارد؛ اما اگر آن حجم نمایش داده شده، عرفاً برای بانوان زینت باشد، پوشیدن آن لباس حرام خواهد بود.

۶. ادله ثانویه لزوم ستر حجم

باید توجه داشت که آنچه بیان شد مقتضای حکم اولی پوشش حجم بدن و پوشیدن لباس های تنگ و چسبان بود، ولی نباید از این امر غافل شد که هر امر مباحی می تواند به واسطه عروض عناوین محرمه ثانویه، حرام شود. از همین روی در ذیل به بیان عناوینی که امکان دارد بر پوشیدن این گونه لباس ها منطبق شود پرداخته می شود.

۶-۱. اعانه بر اثم

عنوانی که ممکن است بر محل بحث تطبیق پیدا کند عنوان «اعانه بر اثم» است. برخی از فقیهان در مسئله پوشش مرد بیان نموده اند که گرچه پوشیدن بیش از عورت بر مرد واجب نیست؛ ولی در مواردی که شخص می داند عدم پوشش بدن موجب تعمد زنان در نگاه به بدن او می شود لازم است بدن خود را بپوشاند (یزدی،

۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۰۷) مشابه این مطلب در محل بحث قابل انطباق است که شخص در مواردی که می‌داند عدم پوشاندن حجم بدن موجب نگاه حرام دیگران مانند نگاه التذادی و ریبه می‌شود، لازم است حجم بدن را بپوشاند. نسبت به کبرای این عنوان باید گفت بحث‌های فراوانی از سوی فقیهان شیعه بیان شده است و مشهور ایشان با تمسک به ادله‌ای مانند آیه شریفه «و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» روایات حرمت اعانه بر ظلم (حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۴۵) روایات حرمت اعانه بر خمر (حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۸۷) روایات دال بر حرمت بیع مغنیات (حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۸۷) و روایات دال بر حرمت اجاره به خاطر کار حرام (حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۲۶) ادله نهی از منکر؛ حکم عقل؛ اجماع و تسالم؛ حرمت اعانه بر اثم را پذیرفته‌اند، فقهای شیعه در موارد متعدد به این قاعده تمسک نموده‌اند؛ به نحوی که می‌توان گفت اصل قاعده مورد اجماع ایشان است؛ بلکه آن را از مسلمات دانسته‌اند (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۵)

بلی در میان متأخرین مرحوم ایروانی و خوئی در حرمت اعانه بر اثم اشکالاتی ایراد نموده‌اند و نظری خلاف نظر مشهور ارائه نموده‌اند. ایشان ادله اقامه شده بر حرمت اعانه بر اثم را نمی‌پذیرند. (ایروانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۵؛ خوئی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۳) البته نقد و بررسی مفصل ادله حرمت اعانه بر اثم، از مقصود این نوشته خارج است.

نقد و بررسی

بنا بر پذیرش کبرای حرمت اعانه بر اثم، نسبت به صغرای این بحث باید گفت: اعانه یک عنوان عرفی است که صدق آن در موارد مختلف منوط به نظر عرف است. به نظر می‌رسد صرف ایجاد موضوع نمی‌تواند به عنوان اعانه به حساب آید. مثلاً کسی که ماشین و یا موتور خود را قفل نمی‌کند ولی می‌داند که در این صورت این وسیله به سرقت خواهد رفت و یا اینکه می‌داند اگر به فلان مکان برای تفریح برود به او اهانت می‌شود، در این فروض نمی‌توان قائل به حرمت فعل او شد؛ زیرا او تنها موضوع را ایجاد کرده است و هیچ یاری و کمکی به شخص گنهکار در انجام گناه خود نکرده است. در محل بحث ما نیز به نظر می‌رسد اینکه شخصی حجم بدنش را بپوشاند مصداق اعانه نیست؛ بلکه تنها موضوع را ایجاد نموده است.

۲-۶. ترغیب به حرام و نشر آن (تشییع فاحشه)

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ مسلماً کسانی که دوست دارند همگانی کردن فحشا را در میان مومنان، برایشان عذابی دردناک در دنیا و آخرت مهیاست. (نور: ۱۹)

ظهور این آیه شریفه در حرمت تشییع فاحشه واضح و روشن است لکن تذکر چند نکته لازم است:

الف) تعبیر آیه که می‌فرماید «مسلماً کسانی که همگانی کردن فحشا در میان مؤمنان را دوست دارند» تعبیر کنایه‌ای است و به نظر بسیاری از فقیهان، صرف دوست داشتن ترویج فحشا تا زمانی که به مرحله عمل نرسد، حرام نیست و موجب عذاب الیم در دنیا (مجازات از سوی حاکم) و آخرت نیست؛ بلکه علاوه بر قصد، باید عملی که مروج فحشا است را نیز انجام بدهند.

ب: به قرینه ذیل آیه که وعده عذاب دردناک در دنیا و آخرت به کسانی که همگانی کردن فحشا را در میان مؤمنان دوست دارند داده شده، مشخص می‌شود که این عمل مبعوض شارع و حرام است، بنابراین اگر شخص مکلف لباس تنگ و چسبان به قصد نشر فساد و شیوع فحشا بر تن کند مرتکب معصیت و حرام الهی شده است.

همچنین می‌توان به فحوای ادله نهی از منکر تمسک نمود. توضیح آنکه: زمانی که طبق ادله، نهی از منکر واجب باشد به طریق اولی نشر فساد، مبعوض شارع مقدس، و مورد رد ایشان است؛ چون معنا ندارد ترویج فساد مورد غضب شارع نباشد اما نهی از آن واجب باشد زیرا بازگشت چنین حرفی به این مطلب است؛ فساد نهی از آن واجب است و هم ترویج آن و ارتکابش بلامانع و بدیهی است که چنین حکمی، صدورش از شارع حکیم قبیح است.

نقد و بررسی

اشکالی که ممکن است وارد شود این است که ظهور آیه شریفه در این است که موضوع حرمت، یک امر قصدی است و در فرضی که شخص به قصد ترویج گناه، مرتکب فعل نشود، موضوع حرام محقق نشده است. وجه این کلام این است که در آیه شریفه تعبیر به «یحبون» شده است و «حب» امری قصدی است.

لکن اولاً به نظر می‌رسد حرمت دائر مدار صدق عرفی است و در نظر عرف قصد شخص مدخلیتی در مسئله ندارد؛ زیرا همان‌طور که گذشت تعبیر وارد شده در آیه شریفه تعبیر کنایی از فعل اشاعه فحشا است و بیان شد که در نظر بسیاری از فقیهان تا به مرحله عمل نرسد حرمت مترتب نمی‌شود، به بیان دیگر موضوع حرمت اشاعه فحشا است که امری غیر قصدی است بلی نهایتاً می‌توان گفت شخص باید متوجه این امر باشد که فعل او موجب اشاعه فحشا می‌شود.

ثانیاً بیان شد که دلیل حرمت اشاعه فحشا منحصر در آیه شریفه نیست و فحوای ادله نهی از منکر می‌تواند مستند حکم قرار گیرد.

۳-۶. لباس شهرت

در نظر بسیاری از فقیهان پوشیدن لباس شهرت حرام است، مرحوم سید یزدی در عروه به حرمت آن فتوا داده است (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۶۸) و بسیاری از محشین مانند مرحوم نائینی و حکیم و بروجردی و اصفهانی (سید ابوالحسن)، عراقی (آقا ضیا)، خوانساری (سید احمد)، حائری و... حاشیه‌ای نرده‌اند و ظاهراً کلام سید یزدی را قبول نموده‌اند. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱)

و همچنین برخی از فقها حرمت پوشیدن لباس شهرت را عنوان مستقل ندانسته و تحریم را منوط به فرضی نموده‌اند که موجب هتک حرمت مؤمن شود. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۳۹۱؛ سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲۸؛ منتظری، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۵)

بنابراین، در این مسئله نیز اگر لباس تنگ و چسبان مصداق لباس شهرت باشد و یا موجب اذلال و خواری شود می‌تواند مصداق موضوع حرمت قرار گیرد.

۴-۶. تشبیه به کفار در پوشش

اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی کرد: به مؤمنین بگو که لباس دشمنان مرا نپوشند؛ و طعام دشمنان مرا نخورند؛ و راه‌های دشمنان مرا نپیمایید که در غیر این صورت از زمره دشمنان من محسوب می‌شوند. (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۲)

در روایتی دیگر آمده است که: خداوند به پیامبری وحی کرد که به قومت بگو: از نوع غذا و خوردنی‌های دشمنان من نخورید؛ و از نوع نوشیدنی‌های دشمنان من نیشامید؛ و بر مرکب‌های دشمنان من سوار نشوید؛ و از نوع پوشاک دشمنان من نپوشید و در منازل دشمنان من سکونت نکنید، در غیر این صورت بسان آنان، از زمره دشمنان من محسوب می‌شوید (نوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۴۸)

گرچه سند روایت دوم به علت ارسال ضعیف است؛ ولی سند روایت اول موثقه است.

چرا که شیخ صدوق از طریق اساتید و راویان متعددی این حدیث را نقل کرده که همگی از افراد مورد اعتماد و سرشناس قم هستند. این سلسله راویان شامل پدرش علی بن حسین بن بابویه، محمد بن حسن بن ولید و سعد بن عبدالله اشعری قمی می‌شود که همگی توسط نجاشی به عنوان ثقه (مورد اعتماد) تأیید شده‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۲۶۱، ۳۸۳، ۱۷۷) همچنین ابراهیم بن هاشم، اگرچه توثیق صریح ندارد، اما به دلیل نقل حدیث در قم (که در اخذ حدیث سخت‌گیر بودند) عملاً مورد اطمینان تلقی می‌شود. (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۱۶) در نهایت، وثاقت حسین بن یزید نوفلی نیز از طریق شهادت شیخ طوسی در کتاب «عده» به عمل اصحاب به روایات سکونی (که عمدتاً از طریق نوفلی نقل شده) استنباط می‌شود. (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۹)

نحوه استدلال چنین است:

الف: بعضی از لباس‌های تنگ و چسبان از مصادیق لباس دشمنان خداوند است.
ب: صیغه نهی ظهور در حرمت دارد؛ بنابراین پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان که از مصادیق لباس دشمنان خداوند است و حرام است

بررسی استدلال

ممکن است نهی در روایات مذکور ارشاد به این مطلب باشد که ممکن است به مرور شخص مسلمان به سبب تناسب با دشمنان خداوند در زمره آنان قرار بگیرد؛ زیرا معنا ندارد به صرف یک یا چند بار پوشیدن لباس دشمنان خدا و تناول کردن غذای آنان شخص مسلمان دشمن خداوند بشود مخصوصاً اینکه در آخر روایات

شخصی که مرتکب چنین اموری شده تشبیه به دشمنان خدا می‌شود. به عبارت فنی، از تناسب حکم و موضوع، مشخص می‌شود که مراد شارع مقدس از این نهی ارشاد به هم‌رنگ‌نشدن با دشمنان خدا و به مرور در زمره آنان قرارگرفتن است و شاهد این مطلب روایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که می‌فرمایند کسی که خود را شبیه قومی کند، نزدیک است که از آنان به شمار آید (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۹۳) بنابراین روایات ظهور در حرمت ندارد؛ بلکه به تناسب مُرشدُ الیه، حکم نیز تغییر می‌کند و اگر پوشیدن لباس تنگ و چسبان که از مصادیق لباس دشمنان خدا است به درجه‌ای برسد که شخص به مرور تناسب با آنان پیدا کرد و بخواهد در زمره ایشان قرار گیرد در این صورت پوشیدن لباس تنگ و چسبان حرام است.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی ادله وجوب ستر حجم و عدم آن و ادله ثانویه عدم وجوب آن، این نتیجه حاصل می‌شود که در باب حکم اولی گرچه لباس تنگ موجب ستر بدن است؛ ولی با توجه به اینکه بر زنان لازم است که زینت خود را از نامحرمان بپوشانند اگر لباس باعث نمایش حجم‌هایی که عرف زینت حساب بشود و یا خود زینت به حساب آید، این لباس نمی‌تواند پوشش کافی شرعی به حساب آید.

همچنین بر زنان و مردان لازم است در مواردی که پوشیدن لباس تنگ موجب صدق عناوین محرمه ثانویه می‌شود از پوشیدن آن خودداری نمایند؛ از همین روی اگر پوشیدن لباس تنگ و چسبان موجب اشاعه حرام و ترغیب به آن حساب آید و یا اینکه موجب اذلال و خواری شخص شود و یا لباس شهرت محسوب شود و یا اینکه تشبیه به کفار به حساب آید، باید از پوشیدن آن خودداری نماید؛ ولی بیان شد که نمی‌توان برای حرمت پوشیدن لباس تنگ به قاعده اعانه بر اثم تمسک نمود. بلی اگر لباس‌های تنگ و چسبانی که خالی از مفساد فوق باشند؛ مانند پوشیدن جوراب و یا آستینچه، اشکالی ندارند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی {صدوق}، (بی تا). من لایحضره الفقیه. (مصحح: علی اکبر غفاری) قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. اصفهانی، محمد بن حسن {فاضل هندی} (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. انصاری، مرتضی {شیخ اعظم} (۱۴۱۵ ق). کتاب الطهارة. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی (۱۴۰۶ ق). حاشیه المکاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۳۱ ق). کفایه الاصول. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل (۱۴۲۴ه ق). مصابیح الظلام. قم: موسسه علامه مجدد وحید بهبهانی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). وسائل الشیعه. (مصحح: عبدالرحیم ربانی شیرازی)، بیروت: الإسلامیة.
۸. حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶ ق). مستمسک العروه الوثقی. قم: مؤسسة دار التفسیر.
۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه) (۱۳۸۱ ق). رجال العلامة - خلاصة الأقوال. نجف: منشورات المطبعة الحیدریة.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه) (۱۴۱۴ ق). تذکرة الفقهاء. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه) (بی تا). تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. مشهد: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه) (۱۴۱۹ ق). نهاية الإحکام فی معرفة الأحکام. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۳۷۲ ش). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی.

۱۵. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهة. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخويي.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق). التنقيح في شرح العروة الوثقى. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخويي.
۱۷. سبزواری، محمدباقر بن مؤمن (۱۲۴۷ق). ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد. قم: موسسه آل البيت عليه السلام.
۱۸. سيستاني، سيد محمدرضا (۱۴۳۷ق). قبسات من علم الرجال. بيروت: دار المورخ العربي.
۱۹. سيستاني، سيد علي (۱۴۲۲ق). المسائل المنتخبة. قم: دفتر حضرت آية الله سيستاني.
۲۰. سيستاني، سيد علي (۱۴۴۳ق). رساله جامع. مشهد: دفتر مرجع عاليقدر حاج سيد علي حسيني سيستاني.
۲۱. شبيري زنجاني، سيد موسي (بي تا). كتاب الصوم. قم: انتشارات مركز فقهی امام محمدباقر عليه السلام.
۲۲. شبيري زنجاني، سيد موسي (۱۳۹۶ش). استفتائات. قم: دفتر حضرت آيت الله شبيري زنجاني انتشارات مركز فقهی امام محمد باقر عليه السلام.
۲۳. طوسي، أبو جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). عدة الاصول. (محقق / مصحح: محمدرضا انصاري)، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
۲۴. عاملی، زين الدين بن علي (شهيد ثاني) (۱۴۰۲ق). روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
۲۵. عاملی، علي بن حسين كركي (محقق ثاني) (۱۴۰۹ق). رسائل المحقق الكركي. (محقق: محمد حسون)، قم: كتابخانه آيت الله نجفي و دفتر انتشارات اسلامي.
۲۶. عاملی، محمد بن علي بن موسوی (۱۴۱۱ق). مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام. (تحقيق: جمعی از پژوهشگران در موسسه آل البيت)، بيروت: موسسه آل البيت عليه السلام.
۲۷. عاملی، محمد بن مكی (شهيد اول) (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية في فقه الإمامية. قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم.
۲۸. عاملی، محمد بن مكی (شهيد اول) (۱۴۱۹ق). ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة. (تحقيق: جمعی از پژوهشگران در موسسه آل البيت)، قم: موسسه آل البيت عليه السلام.
۲۹. كليني، محمد بن يعقوب (بي تا). الكافي. (مصحح: علي اكبر غفاري و محمد آخوندي)، تهران: چاپ الاسلاميه.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقي (علامه) (بي تا). مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول. (محقق: هاشم رسولي)، تهران: دارالكتب الإسلامية.

۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (علامه) (بی تا). بحار الأنوار. (تحقیق: جمعی از محققان)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۶ق). کتاب الصلاة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). احکام بانوان. (تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی)، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۹ق). رساله توضیح المسائل. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۵. منتظری، حسینعلی (بی تا). العروة الوثقی مع تعلیقات المنتظری. بی جا: بی نا.
۳۶. موسوی بجنوردی، سید حسنی (۱۳۷۷ش). القواعد الفقهیة، محقق: محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی، قم: نشر الهادی.
۳۷. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۸. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ق). رجال النجاشی. (محقق: سید موسی شبیری زنجانی)، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۹. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. (تحقیق: گروه پژوهش موسسه آل البيت)، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (بی تا). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۴۱. همدانی، آقارضا (۱۴۱۶ق). مصباح الفقیه. (مصحح: محمد باقری و نورعلی نوری و محمد میرزایی و سید نورالدین جعفریان)، قم: موسسه الجعفریة لاحیاء التراث و موسسه النشر الإسلامی.
۴۲. یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی (۱۳۹۵ش). العروة الوثقی و التعلیقات علیها. قم: انتشارات سبئین.
۴۳. یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۴. یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)، محقق/ مصحح: احمد محسنی سبزواری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مقالات:

۱. اکبرزاده نیاکی، زهرا، نعمتی چرمهینی، اعظم، تقی‌زاده بروجنی، ربابه، (فروردین ۱۴۰۱) بازشناسی مفهوم مد و طراحی لباس اسلامی در پوشش زنان. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۱۴، (۵۱)، ۸۷ - ۹۷.
۲. تنگستانی، محمدقاسم، ورمزیار، فائزه (زمستان ۱۴۰۲). مدلینگ زنان در نظام حقوقی ایران، پژوهش‌های حقوقی، ۲۲، (۵۶)، ۲۹۵ - ۳۳۴.
۳. نمازی‌فر، حسین، سعادت، صالح (اسفند ۱۳۸۹). بررسی فقهی و حقوقی حجاب شرعی با رویکردی بر آرای امام خمینی، پژوهشنامه متین، ۱۲، (۴۹)، ۱۲۴ - ۱۰۰.